موضوع: مراجعه 48 ، بررسی حدیث 36

حدیث صدیقی ثلاثه، حدیث 37 از مراجعه 48

این حدیث بیانگر آن است که صدیقین ثلاثه در این روایت یعنی حبیب نجار (مومن آل یاسین)، حزقیل (مومن آل فرعون) و امیرالمومنین (ع) که ایشان افضل آنان است، افراد خاصی را شامل می شود. گفته شد این روایت در مراجعه شماره 12 نیز بیان شده است. در آنجا بحث درباره آیات قرآن درباره اهل بیت (ع) است که از جمله آنها آیه 69 سوره نساء است. « فَأُولئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحينَ»[[1]](#footnote-1). در آنجا بیان شده که اهل بیت (ع)، مصداق صدیقین و شهدا و صالحین در آیه هستند.

گفته شد از اینکه صدیقین در این آیه بر نبیین عطف شده اند به دست می آید که مراد از آنان افرادی در تراز انبیاء بوده اند و این نیست مگر اینکه از ویژگی عصمت برخوردارند. این آیه همچنین با آیاتی که در آنها صدیقین به معنای عام است منافاتی ندارد زیرا در قرآن کریم صدیقین دو کاربرد عام و خاص دارد.

نکته دیگر اینکه این آیه شریفه بیان می کند کسانی که با صدیقین در سرای دیگر همراه خواهند بود، کسانی هستند که در دنیا با صادقین باشند، همان طور که در آیه 119 سوره توبه بیان شده است: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقين‏»[[2]](#footnote-2)

اشکال و جواب

1. گفته شد ابومریم اعظمی اشکالاتی بر استدلال به این روایت بیان کرده است. اشکال اول این بود که نمی شود آیه را مختص به اهل بیت دانست، بلکه آیه بیان گر معنای عامی بوده و همه مومنین را شامل می شود البته با این شرط که مطیع خدا و رسول خدا باشد.

پاسخ این است که بیان قرآن نشان می دهد که همان طور که نببین افراد خاصی هستند، صدیقین نیز افراد خاصی هستند و همه مومنین را شامل نمی شوند. در آیه آمده است کسانی که مطیع خداوند و رسول هستند با صدیقین همراه هستند نه اینکه از صدیقین هستند. بله در قرآن کریم کاربرد صدیقین در معنای عام هم آمده است، اما در این آیه مراد کاربرد خاص آن است.

2. می گوید: حدیث صدیقین ثلاثه، همان طور که ابن تیمیه گفته است[[3]](#footnote-3) کذب است و سند و متن آن را مورد نقد قرار می گیرد. در سند آن محمد بن یونس موسی کدینی قرشی هست که ذهبی از ابن حبان نقل کرده که وی بیش از هزار حدیث را جعل کرده است. همچنین در سند آن عمر بن جمیع است که ذهبی از ابن معین نقل کرده که وی را تکذیب کرده است و بخاری نیز وی را منکر الحدیث دانسته و دارقطنی و جماعتی او را متروک دانسته است. البته سیوطی در جامع الصغیر این حدیث را حسن دانسته است. حدیث دوم نیز ضعیف است و حتی سیوطی هم که جز متساهلین است آن را ضعیف شمرده است.

پاسخ این است که درست است که برخی ناقلان این حدیث ضعیف هستند، اما اولا حدیث صدیقین ثلاثه در صدد بیان افراد ممتازی است و گفته شد صدیقین در کاربرد خاص از ویژگی عصمت برخورار هستند و در امت اسلامی هم اجماعی است که از صحابه غیر از امیرالمومنین (ع) و حضرت زهرا (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کس دیگری معصوم نبوده است. بنابراین دیگران نمی توانند مصداق صدیقین باشند و این مطلب بیان گر آن است که این حدیث به لحاظ مدلول موافق قرآن است.

ثانیا این روایت با دو دسته روایات پشتیبانی می شود: الف) برخی از روایات صدیقین در آیه 69 سوره نساء را بر امیرالمومنین (ع) تطبیق داده است. ب) دسته دیگر روایاتی است که امیرالمومنین (ع) را به عنوان صدیق اکبر در امت پیامبر (ص) معرفی کرده است. این دو دسته روایات موید روایت صدیقین ثلاثه بوده و ضعف آن را جبران می کنند (این روایات یا متابعات هستند به این معنا که از جهت لفظ و معنا با هم هماهنگ هستند و یا اگر تنها از جهت مدلول و معنا هماهنگ باشد شواهد هستند).

از جمله آن روایات، روایتی است که از امیرالمومنین (ع) نقل شده که فرمود: «انا عبدالله و اخو رسول الله و انا الصدیق الاکبر لایقولها بعدی الا کذاب».[[4]](#footnote-4) در سند این حدیث عباد بن عبدالله اسدی کوفی هست. اقوال عالمان رجال اهل سنت درباره وی مختلف است. بعضی او را تضعیف کرده اند از جمله ابن مدینی؛ بخاری هم گفته فیه نظر، ابن حجر عسقلانی نیز گفته ضعیف است. در مقابل برخی وی را توصیف کرده اند از جمله ابن حبان، عجلی در کتاب ثقات خود او را آورده اند. نورالدین هیثمی درباره حدیث الدار که عبادالله بن عبدالله در سند آن است گفته است «اسناده جید». احمد محمد شاکر که مسند احمد حنبل را تعلیقه زده، همان حدیث الدار را حسن دانسته است. ابن کثیر در حدیث الدار که در سند آن عباد است، در سند مناقشه نکرده است در حالی که وی سند دیگر همان حدیث دار را ضعیف دانسته است.[[5]](#footnote-5) همچنین وی در جای دیگر همین روایت الدار که عباد بن عبدالله در سند آن است را موید روایت دیگری گرفته که ضعیف است.[[6]](#footnote-6)

جمع بندی درباره عباد بن عبدالله این می شود که وثاقت و ضعیف بودن وی مورد اجماع نیست. افرادی هم که وی را توثیق کرده اند شاذ نیستند. و لذا می تواند به عنوان شاهد و موید مورد استناد قرار گیرد، علاوه بر اینکه بر اساس معیارهای حدیث شناسی می توان در مقام محاجه از این حدیث استفاده کرد.

3. اشکال دیگر ابومریم اعظمی به امام شرف الدین در این بحث این است که می گوید متن حدیث هم مشکل دارد زیرا صدیقین را در سه نفر منحصر کرده است در حالی که در قرآن کریم برخی از پیامبران الهی صدیق نامیده شده اند مانند حضرت ابراهیم (ع) و حضرت ادریس (ع) و همچنین حضرت مریم (س)، صدیقه نامیده شده است. درباره مومنان نیز تعبیر صدیقین آمده است.

پاسخ این است که گفته شد صدیقین در قرآن دو کاربرد عام و خاص دارد. صدیق بودن سه نفری که در حدیث آمده است بیانگر صداقت خاص آنها در مورد تبعیت از نبی خدا در عصر خویش است. همچنین این حدیث منافاتی با صدیق بودن حضرت مریم (س) و مانند آن ندارد زیرا مقید به زمان های خاصی شده است. در مورد صدیقین انبیا نیز می گوییم مراد حدیث صدیقین غیر انبیا مورد نظر هستند.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره نسا، آیه 69 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره توبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-2)
3. منهاج السنه، ج7، ص 122 [↑](#footnote-ref-3)
4. المستدرک، ج3، ص 21، ح 4584 ، خصائص امیرالمومنین (ع)، ص 22، ح 7 ؛ سنن ابن ماجه، ج1، ص 44، ح 120 ؛ فضائل اهل البیت، احمد بن حنبل، ص 89، ح111؛ المصنف ابن ابی شیبه، ج11، ص 69، ح 12133 ؛ السنه، ابن ابی عاصم، ص 584، ح 1324 ؛ تاریخ طبری، ج2، ص 310 ؛ شرح نهج البلاغه، ج13، ص 156 ؛ الریاض النضره، ج3، ص 96 [↑](#footnote-ref-4)
5. تفسیر ابن کثیر، ج5، ص 211و 213 [↑](#footnote-ref-5)
6. البدایه و النهایه، ج3، ص 46 [↑](#footnote-ref-6)